حادثه‌ها

سرقت از منزل نماینده مجلس

● **خانه ملت:** باند سرقت از منزل یکی از نمایندگان مجلس با پیگیری پلیس تهران شناسایی شد. مهناز بهمنی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به سرقتی که ماه گذشته از منزلش رخ داد اشاره کرد و گفت: به‌دنبال شناسایی و دستگیری سارقان مشخص شد این افراد مجرمانی سابقه‌دار و خطرناک هستند. نماینده مردم سراب در مجلس شورای اسلامی گفت: این افراد با تشکیل باندی بزرگ اقدام به سرقت از بیش از ۳۰منزل مسکونی در غرب تهران کرده بودند. به گفته وی مقداری وجه نقد، طلا و اثاثیه از منزل وی به سرقت رفته بود که پس از دستگیری سارقان طلاهای شخصی عودت شد اما وجوه نقدی و اثاثیه برنگشت. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: بسیاری از این سارقان مجهز به فناوری‌های نوین سرقت و ابزار و لوازم شکستن در و پنجره‌های فولادی بودند و نکته جالب اینکه از وضعیت مالی بسیار خوبی هم برخوردار بودند و هرکدام یک خانه چهارطبقه در تهران داشتند.

دستگیری جاعلان اسکناس ۱۰هزارتومانی

● **شرق:** دو جاعل حرفه‌ای اسکناس‌های ۱۰هزارتومانی دستگیر شدند. سرهنگ«مهدی قدمی» رییس پلیس آگاهی استان قم گفت: ماموران در پی کسب خبری مبنی بر توزیع اسکناس جعلی در سطح شهر، مخفیگاه متهمان را که هر دو دارای سوابق کیفری بودند شناسایی کردند. رییس پلیس آگاهی قم گفت: جاعلان حرفه‌ای به‌همراه ۱۰۰ قطعه اسکناس ۱۰هزارتومانی که با کاغذ مرغوب جعل شده بود و همچنین مقداری مواد مخدر دستگیر شدند. متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی و روانه زندان شدند.

زورگیری ۵ ساعت پس از آزادی از زندان

● **باشگاه خبرنگاران:** مردی که پنج‌ساعت پس از آزادی‌اش از زندان اقدام به زورگیری با قمه ۷۰ سانتیمتری کرده بود بار دیگر دستگیر شد. پسر جوانی چند روز پیش به واحد گشت کلانتری غیاثی مراجعه کرد و به ماموران گفت: دقایقی پیش مردی میانسال با دردست داشتن قمه پس از ضرب‌وشتم من، اموالم را به زور گرفت و متواری شد. ماموران با گرفتن مشخصات متهم به گشت زنی پرداختند و توانستند سارق را در حالی‌که به‌دنبال طعمه بعدی خود می‌گشت، دستگیر و از او قمه ۷۰سانتیمتری و ماده مخدر شیشه کشف کنند. سرهنگ امیر قنبری، رییس کلانتری غیاثی در این‌باره گفت: در تحقیقات اولیه از متهم مشخص شد این فرد از سابقه‌داران جرم زورگیری است که مدتی را در زندان سپری کرده و حدود پنج‌ساعت پیش از دستگیری از زندان آزاد شده بود.

«پسران اسکیپی» به دام افتادند

● **باشگاه خبرنگاران:** اعضای باندی موسوم به پسران اسکیپی که خودروها را در کمترین زمان ممکن سرقت می‌کردند، دستگیر شدند. این پنج سارق با شکستن شیشه خودروها، آنها را در چند دقیقه سرقت می‌کردند و به سرعت از محل متواری می‌شدند. این افراد که متهم به بیش از ۱۰ مورد سرقت بودند، تحت‌تعقیب کلانتری خزانه قرار گرفتند. ماموران بعد از چند روز دو نفر از این افراد را در حال سرقت خودرو مشاهده و آنان را دستگیر کردند. متهمان مخفیگاه همدستان خود را که خانه‌ای مجردی در محدوده خزانه بود، معرفی کردند و به این‌ترتیب سه‌عضو دیگر باند نیز به دام افتادند.

نوبت دوم

مزایده عمومی ۹۲/۶۴

شرکت آب و فاضلاب جنوبغربی استان تهران (سهامی خاص)

● **دستگاه مزایده‌گذار:** شرکت آب و فاضلاب جنوبغربی استان تهران

● **موضوع مزایده:** فروش اقلام ضایعاتی و مازاد از قبیل آهن آلات سبک و سنگین کنتور ضایعاتی ، کابل ضایعاتی ، لوله چدن داکتیل در سایزهای مختلف ، الکتروپمپ ضایعاتی و قطعات ، کلید روغنی ضایعاتی ،لوله بتنی فاضلابی سایز ۲۵۰ به طول ۱،۵ متری و انواع قطعات کامپیوتری

● **محل تحویل و بازدید از اقلام:** انبار واوان ، انبار ضایعات اسلامشهر ۲۰ متری و مخزن شماره ۲ نسیم شهر

متقاضیان شرکت در مزایده تنها با دردست داشتن اسناد مزایده امکان بازدید از اقلام را خواهند داشت.

● **مبلغ سپرده شرکت در مزایده:** متقاضیان شرکت در مزایده می بایست مطابق با جدول پیوست اسناد مزایده ، ضمانتنامه لازم را تهیه و در پاکت تضمین الف قرار دهند.

● **مهلت دریافت اسناد:** ۹۲/۰۸/۲۷ (تا ساعت ۱۶).

● **مهلت ارائه پیشنهادات:** ۹۲/۰۹/۱۱ (تا ساعت ۱۴).

● **تاریخ بازگشایی پاکات الف و ج :** ۹۲/۰۹/۱۳ ساعت ۱۰ صبح در محل دفتر امور بازرگانی و قراردادهای شرکت آب و فاضلاب جنوبغربی استان تهران.

● **دستگاه نظارت:** معاونت مالی و پشتیبانی

● **محل دریافت اسناد و ارائه پیشنهادات:** دبیرخانه مرکزی آب و فاضلاب جنوب‌غربی استان تهران واقع در کیلومتر ۲۲ جاده ساوه ، شهرک واوان بلوار امام خمینی ، روبه‌روی پاسگاه نیروی انتظامی.

● **هزینه خرید اسناد:** ۳۰۰/۰۰۰ (سیصد هزار) ریال می‌باشد که باید به شماره حساب ۲۷۰۶۹۷۷۳۹ بانک تجارت شعبه واوان واریز و فیش نقدی ارائه گردد.

● **هزینه درج آگهی در دو نوبت به عهده برندگان مزایده می‌باشد.**

سایت ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir

سایت آبفای جنوب‌غربی استان تهران: Swest.tpww.co.ir

سایت سامانه کشوری: http://tender.bazresi.ir

روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب جنوب‌غربی استان تهران (سهامی خاص)

گفت‌وگو با مردی که دختران مدرسه‌ای را آزار می‌داد

نمی‌توانستم جلو خودم را بگیرم

شرق، شاهد حلاج: تحقیقات از مردی که به‌عنوان راننده سرویس مدرسه، دختران مدرسه‌ای را می‌ربود و مورد آزار قرار می‌داد همچنان ادامه دارد. این در حالی است که تعداد شاکیان او بیشتر شده است. این متهم ۲۸ساله که «ابوالفضل – م» نام دارد مردی متاهل و پدر یک دختر است. او با شکایت والدین دختربچه‌ای که در خیابان یوسف‌آباد ربوده شده بود، دستگیر شد و اعتراف کرد با دیدن دختربچه جلو رفت و ادعا کرد او به‌جای سرویس همیشگی دنبالش آمده است؛ به این ترتیب دختر را سوار خودرو کرد و مورد آزار جنسی قرار داد. متهم بعد از دستگیری اعتراف کرد این کار را در سال‌های گذشته نیز انجام داده است. در مجموع پنج‌نفر از شاکیان این مرد شناسایی شدند اما با انتشار خبر دستگیری متهم تعدادی دیگر نیز با مراجعه به اداره شانزدهم پلیس آگاهی علیه این جوان شکایت و او را شناسایی کردند. شکات جدید در اظهارات مشابه عنوان کردند متهم آنها را تحت عنوان سرویس مدرسه فریب داد و بعد از اینکه سوار خودرو وی شدند مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. یکی از قربانیان در اظهاراتش به‌کارآگاهان گفت: «ساعت هفت صبح روز حادثه از خانه بیرون آمدم و منتظر سرویس مدرسه بودم که خودرو پژو ۴۰۵ نقره‌ای‌رنگی به من نزدیک شد و راننده‌اش گفت سرویس مدرسه است. من نیز به تصور اینکه سرویس مدرسه عوض شده، در صندلی عقب ماشین نشستم اما راننده به‌جای حرکت به سمت مدرسه، به طرف خیابان مرزداران حرکت کرد و در خیابانی خلوت مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و پس از آن، با سیلی محکمی که به صورتم زد مرا در خیابان پیاده کرد و از محل دور شد.» دختربچه ۱۱ساله‌ای که حتی با حضور والدینش و کارآگاهان پلیس آگاهی از نزدیک‌شدن به متهم می‌ترسید، پس از شناسایی این مرد در اظهاراتش به‌کارآگاهان گفت: «ساعت ۶:۳۵ از خانه بیرون آمدم و ۱۰ دقیقه منتظر سرویس مدرسه ماندم تا اینکه خودرو پژو ۴۰۵ نقره‌ای‌رنگی که راننده آن پسر جوانی بود به من نزدیک شد و گفت: «از طرف سرویس مدرسه هستم.» من چون سرویس پنج دقیقه دیر کرده بود، به او اعتماد کردم و سوار ماشین پژو شدم اما ناگهان راننده تغییر مسیر داد و به حوالی امیرآباد – شهرک والفجر رفت. او گفت می‌خواهد یکی دیگر از شاگردان مدرسه را سوار کند. وقتی به دیرشدن مدرسه اعتراض کردم، راننده به بهانه پنچرشدن لاستیک توقف کرد و از ماشین پیاده شد. قصد داشتم از ماشین پیاده شوم که متوجه شدم در از داخل باز نمی‌شود، در همین زمان راننده با چاقو، در عقب ماشین را باز کرد و مرا مورد آزار قرار داد.» سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران درباره این پرونده گفت: «با مراجعه تعداد دیگری از شکات جدید به اداره شانزدهم پلیس آگاهی و شناسایی متهم توسط آنها و همچنین اعترافات جدید متهم و احتمال ارتکاب جرایم مشابه توسط وی، مجوز انتشار بدون پوشش تصویر این شخص از سوی بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران صادر شده است. از کلیه شکات که فرزندان آنها قربانی اقدامات مجرمانه متهم شده‌اند درخواست و دعوت می‌شود تا ضمن اعتماد به پلیس، به اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در خیابان وحدت اسلامی مراجعه و اقدام به طرح شکایت کنند.»

عکس: شرق

گفت و گو با متهم

با چه انگیزه‌ای آزار دختران مدرسه‌ای را شروع کردی؟

همسرم باردار بود و نمی‌توانستم با او ارتباط برقرار کنم. اولین‌بار که این کار را کردم ساعت هفت‌صبح داشتم به محل کارم می‌رفتم دیدم دختری مدرسه‌ای گوشه خیابان ایستاده است. ترمز کردم و گفتم سرویس مدرسه‌اش خراب شده و من امروز به‌جای او آمده‌ام. آن دختر هم سوار شد و من که مسیر را تقریبا می‌شناختم او را به یک جای خلوت بردم و آزار دادم.

انگیزه‌ات را کامل توضیح نداری.

نمی‌دانم اولین‌بار یک‌دفعه به سرم زد اما دفعات بعد مثل بیماری خوره این کار در جانم افتاد و هرچند وقت یک‌بار این کار را می‌کردم.

یعنی چه بیماری؟ چرا برای درمان اقدام نکردی؟

نمی‌توانستم جلو خودم را بگیرم و نمی‌دانستم پیش چه کسی بروم تا درمانم کند.

از دختران سرقت هم می‌کردی؟

نه.

اگر دختری حرفت را قبول نمی‌کرد چه می‌کردی؟

سراغ نفر بعدی می‌رفتم. سه یا چهاردختر سوار ماشینم‌نشدند.

بعد از آزار دختران چه می‌کردی؟

بچه‌ها را تا دو، سه کوچه پایین‌تر می‌رساندم و بعد به سر کارم می‌رفتم.

هر بار که این کار را انجام می‌دادی چقدر زمان می‌برد؟

حدود ۲۰دقیقه تا نیم‌ساعت از وقتی که دختری را سوار می‌کردم تا او را رها می‌کردم زمان می‌برد.

آیا خودت یا اعضای خانواده‌ات در دوران کودکی یا هر زمان دیگری اتفاق مشابهی برایتان رخ داده است؟

نه، هیچ‌وقت.

چند خواهر و برادر داری؟

هفت‌بچه‌هستیم.

چند سال است ازدواج کرده‌ای؟

شش‌سال است.

آیا همسرت هم از این ماجرا خبر داشت؟

او تازه یکی، دو روز است که ماجرا را می‌داند و در اداره آگاهی فهمید چه شده است.

شغلت چیست؟

کارمند خدماتی یکی از نهادهای دولتی هستم و صبح‌ها که در مسیر رفتن به محل کارم بودم این کار را انجام می‌دادم.

کجا زندگی می‌کنی؟

اسلامشهر.

محل کارت کجاست و در کدام مسیرها طعمه‌هایت را انتخاب می‌کردی؟

محل کارم در خیابان کارگرشمالی است و در همان منطقه، یوسف‌آباد و بزرگراه کردستان سراغ دختران مدرسه‌ای می‌رفتم.

آخرین‌بار کی این کار را انجام دادی؟

حدود دو هفته قبل. چهار روز است در بازداشت آگاهی هستم.

در مدت دو هفته آخر قبل از دستگیری چرا کاری انجام ندادی؟

توبه کرده بودم، چون از خودم خجالت می‌کشیدم.

اگر دستگیر نمی‌شدی هنوز ممکن بود این کار را ادامه بدهی؟

نمی‌دانم اما سعی‌ام را می‌کردم دیگر این کار را تکرار نکنم.

در این مدت چندبار خودروات را عوض کردی، چرا؟

اول پراید داشتم بعد آن را فروختم و پژو ۴۰۵ گرفتم و بعد از آن هم پژو پرشیا.

آیا چاقو هم داشتی؟ نه.

اما دخترهایی که تو را شناسایی کرده‌اند، گفته‌اند با چاقو تهدیدشان کردی!

چاقو نداشتم. فقط می‌گفتم چاقو دارم تا بترسند. من هیچ وقت چاقو همراه خود نمی‌برم.

پس چطور موفق به عملی کردن نقشه‌هایت می‌شدی؟

دخترها وقتی می‌فهمیدند من چه کاری می‌خواهم بکنم اول سروصدا می‌کردند اما بعد ساکت می‌شدند.

اولین اتفاقی که بعد از دستگیری در مواجهه با این دختران برایت افتاد چه بود؟

پدر چند نفرشان من را کتک زدند. من هم از این کار خود شرمنده‌ام.

تو خودت یک دختر داری. چند سالش است و اگر برای دختر خودت این اتفاق بیفتد چه می‌کنی؟

دخترم پنج‌ماهه است. اگر این اتفاق برای او بیفتد کاری نمی‌توانم بکنم. ناراحت می‌شوم و متهم را به قانون واگذار می‌کنم.

الان چه انتظاری از خانواده‌های شکات و دختران داری؟

می‌خواهم که مرا ببخشند و اگر می‌توانند به من کمک کنند.

گفت‌وگو با برادر اعدامی زنده‌شده:

آمادگی ملاقات نداریم

شرق: برادر «علیرضا-م» اعدامی زنده‌شده هنوز باور ندارد برادرش زنده است و بابت احتمال اجرای دوباره حکم او نگران است. او می‌گوید نمی‌تواند آنچه را که شب اعدام و فردای آن روز اتفاق افتاد به‌درستی به‌یاد بیاورد. برادر علیرضا در گفت‌وگویی کوتاه با خبرنگار ما درباره آخرین وضعیت برادرش توضیح داده است.

حال برادرتان ظاهرا رو به بهبود است. الان در چه وضعیتی به‌سر می‌برد؟

خیلی خوب است. خداراشکر. دکترهایش از روند بهبود او خیلی راضی هستند.

او را ملاقات کرده‌ای؟

نه هنوز به دیدنش نرفتیم.

چرا؟

می‌ترسیم شوکه شود و ایست قلبی کند. ازدست‌دادن دوباره او وضعیت بدی را برای ما درست می‌کند. با دکترهایش هم مشورت کردیم. آنها گفته‌اند آمادگی ملاقات دارد اما ما خودمان هنوز آمادگی نداریم.

بچه‌هایش چطور؟ آنها به دیدن پدرشان رفته‌اند؟

نه هنوز نرفته‌اند همان‌طور که گفتم هیچ‌کدام از ما به‌دلیل اینکه ممکن است علیرضا شوکه شود به دیدنش نرفتیم.

پس چطور از حال او باخبر می‌شوید؟

مرتب با بیمارستان و دکترهایش در تماس هستیم و کارهایی که لازم است را انجام می‌دهیم. از حالش باخبر هستیم اما هنوز هیچ‌کدام از اعضای خانواده نتوانسته‌اند آنچه اتفاق افتاده را هضم کنند و همه شوکه هستیم.

درباره شب اعدام توضیح می‌دهی؟

دوست ندارم درباره آن حرف بزنم ضمن اینکه موقع اعدام آنجا نبودم.

سوال من درباره آخرین ملاقات با برادرتان است.

یک روز قبل از اعدام من، خواهرم، همسر برادرم و دو دخترش به دیدنش رفتیم. وضعیت خیلی بدی بود. حال همه خیلی بد بود اصلا نمی‌توانم برایتان بگویم چه حالی داشتیم. چنددقیقه‌ای همدیگر را دیدیم و بعد هم خداحافظی کردیم و آمدیم. خیلی اوضاع بدی بود خدا برای هیچ‌خانواده‌ای پیش نیاورد. اصلا نمی‌توانم برایتان توصیف کنم که چه وضعیتی بود.

از ماجرای زنده‌بودنش چطور مطلع شدید؟

آن شب نتوانستم درست بخوابم. حال همه اعضای خانواده بد و اعصاب همه خرد بود. حدود ساعت شش‌صبح دنبال کارهای خودم رفتم می‌خواستم شرایط را برای حضورم در ختم آماده کنم. راستش نمی‌توانستم از جایم بلند شوم و به سردخانه بروم تا جنازه برادرم را تحویل بگیرم. انگار پاهایم راه نمی‌رفت. به دایی‌ام گفتم تو برو. دایی‌ام که به سردخانه رفته بود خبر داد علیرضا زنده است.

دایی‌تان با شما تماس گرفت و خبر را داد؟

راستش یادم نیست دقیقا چه کسی زنگ زد اصلا نمی‌دانم چه شد هنوز هم گیج هستم. چیز زیادی از آن دقایق یادم نیست.

به بچه‌های برادرت چه کسی خبر داد؟

اصلا نمی‌دانم فقط می‌دانم در عرض یکی، دودقیقه همه اعضای خانواده مطلع شدند انگار بین زمین و آسمان بودم گیج بودم.

چه احساسی داشتی؟

مسلما خوشحال شدم آنقدر شوکه بودم که حتی نمی‌توانستم نفس بکشم. همان‌جایی که ایستاده بودم نشستم و گریه کردم.

برادرت به‌دلیل مواد سابقه داشت. درباره اینکه نباید این کارها را بکند با او صحبت نکرده و تذکر نداده بودی؟

علیرضا فرزند چهارم خانواده است. من از او دوسال کوچک‌تر هستم. اول به‌دلیل کوچک‌تربودنم و دوم به‌دلیل اینکه هیچ‌وقت دوست نداشتم وارد حریم خصوصی کسی بشوم با او درباره این مسایل صحبت نمی‌کردم.

پدر و مادرتان چطور؟

مسلما آنها نصیحتش می‌کردند چون از کارهایی که علیرضا کرده بود خیلی ناراحت بودند. هیچ پدر و مادری دوست ندارد بچه‌اش اعدام شود. بنابراین تاجایی که ممکن بود سعی می‌کردند این اتفاق نیفتد.

برادرتان سه‌سال در زندان منتظر اجرای حکم بود و ظاهرا سه‌فرزند هم دارند. در این مدت چه کسی خرجی بچه‌ها را می‌داد؟

خداراشکر مادرشان زن فهمیده‌ای است. از بچه‌ها خوب نگهداری می‌کند. ما هم نمی‌گذاشتیم، آنها تنها بمانند. پدرشان در زندان بود اما این بچه‌ها خدا را داشتند و خداوند روزی‌رسان است. ما دورشان بودیم و نمی‌گذاشتیم تنها باشند.

بچه‌ها در حال حاضر چه می‌کنند؟

هر سه درس می‌خوانند. آنها از این اتفاق آنقدر خوشحال هستند که نمی‌توانم توصیف کنم در چه وضعیتی هستند. درسشان را می‌خوانند می‌خواهند وقتی توانستند پدرشان را ببینند نمرات خوبی را که گرفته‌اند به او نشان دهند.

کی به ملاقات برادرتان خواهید رفت؟

دکترها گفته‌اند حنجره‌اش آسیب دیده و فعلا نمی‌تواند حرف بزند. گفته‌اند خوب می‌شود اما زمان می‌برد. ما هم هروقت وضعیت روحی‌مان خوب شود و بدانیم برادرمان هم آمادگی دیدار ما را دارد و باور کرده که هنوز زنده است و از آن وضعیت بیرون آمده به دیدارش می‌رویم. هنوز صحنه‌های شب آخر جلوی چشمم است. امیدوارم دیگر تکرار نشود.

رییس قوه‌قضاییه و وزیر دادگستری هر دو گفته‌اند که برادرتان اعدام نمی‌شود. بنابراین اعدام مجدد منتفی به‌نظر می‌رسد؟

البته رییس قوه‌قضاییه گفتند به‌لحاظ عاطفی درست نیست دوباره اعدام شود اما به‌هرحال خداوند خیرشان بدهد و بچه‌هایشان را برایشان نگه دارد. من می‌دانم برادرم دیگر وارد این کارهای خطرناک نمی‌شود. اعدام‌نشدن برادرم درواقع کمک به فرزندانش است. آنها در دنیای کودکی خود خیلی خوشحال و شاد هستند انگار همه خوشبختی دنیا نصیبشان شده است. من و همه اعضای خانواده‌ام از رییس قوه‌قضاییه و وزیر دادگستری خیلی ممنون هستیم و دعا می‌کنم خداوند برای هیچ بنده‌ای اتفاقی مثل اعدام را پیش نیاورد. شب آخر خیلی بد بود، خیلی زیاد.

زندگی خانواده اعدامی زنده‌شده به روایت همسرش

همسر اعدامی زنده‌شده در گفت‌وگویی کوتاه با مجله خبری پیک بامدادی رادیو ایران شرایط زندگی خود و خانواده‌اش را تشریح کرد. همسر«علیرضا- م» در این گفت‌وگو گفت شوهرش تا مقطع ابتدایی بیشتر درس نخوانده و پس از آن ترک‌تحصیل کرده است. این زن توضیح داد دو دختر دوقلو دارد که کلاس سوم راهنمایی هستند و تنها پسرش نیز در کلاس دوم دبیرستان درس می‌خواند. این زن که تحت پوشش کمیته امداد است، گفت یارانه‌ای را که دریافت می‌کند بابت اجاره خانه می‌پردازد و با کارکردن در خانه‌های مردم خرج تحصیل فرزندانش را می‌دهد.

فامیل قلابی، کلاهبردار بود

شرق: مردی برای کلاهبرداری شگرد عجیبی را ابداع کرد. او مدعی می‌شد از اقوام مالباختگان است و به این طریق از آنها پول می‌گرفت. به گزارش خبرنگار ما، خبر دستگیری متهمی توسط مردم چند روز پیش از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به کلانتری تهران‌نو اعلام و با حضور ماموران در محل مشخص شد جوانی ۲۵ساله که توسط اهالی محل دستگیر شده در پوشش یکی از بستگان زن شاکی و از طریق تماس تلفنی، اقدام به کلاهبرداری ۴۰۰هزارتومان وجه نقد کرده و در مرحله دوم زمانی‌که با مراجعه حضوری به محل سکونت شاکی قصد گرفتن مبلغ دیگری را داشت، به دام افتاده است.

متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع کلاهبرداری در اختیار پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. شاکی در این مرحله به کارآگاهان گفت: «چند روز پیش، فردی با من تماس گرفت و ضمن معرفی خود به‌عنوان خواهرزاده شوهر مرحومم، ابتدا مدعی شد به علت سرماخوردگی صدایش عوض شده و در ادامه درخواست مبلغ ۴۰۰هزارتومان وجه نقد کرد. من نیز به واسطه اعتماد و احترامی که نسبت به فامیل داشتم این مبلغ را به حساب عابر بانک اعلام شده توسط متهم واریز کردم. چند روزی از این موضوع گذشت و هیچ خبری از بازپس دادن پول نشد تا اینکه همین شخص مجددا با من تماس گرفت و بار دیگر درخواست پول کرد.

این بار که به موضوع مشکوک شده بودم، با اقوام تماس گرفتم و متوجه شدم آنها برای گرفتن پول هیچ تماسی با من نگرفته‌اند. خواهرزاده همسرم بعد از اطلاع از ماجرا به منزل من آمد و همزمان با وی، متهم نیز تماس گرفت که این بار به بهانه اینکه پولی در حساب ندارم، پیشنهاد دادم به خانه بیاید حتی نشانی منزل را برایش پیامک کردم. جوانی موتورسوار پس از مدت کوتاهی به در منزل مراجعه و به‌عنوان پیک‌موتوری درخواست پول کرد که ما هم او را دستگیر کردیم. کارآگاهان در ادامه تحقیقات با بررسی سوابق متهم اطلاع پیدا کردند وی یکی از کلاهبرداران سابقه‌دار است که به تازگی با تامین وثیقه از زندان آزاد شده است. بررسی تراکنش مالی عابر بانک‌های به دست آمده از متهم فاش کرد تعداد دیگری با همین شیوه و شگرد مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند. این مالباختگان شناسایی و به پلیس آگاهی دعوت شدند. سپس متهم در اعترافاتش گفت با خرید گوشی‌های تلفن همراه مسروقه یا سرقت دفترچه‌های تلفن، شماره‌های تلفن داخل آنها را بررسی و طعمه‌هایش را پیدا می‌کرد و ضمن معرفی خود به‌عنوان یکی از بستگان، از آنها پول می‌خواست. متهم گفت: مالباختگان حرف مرا باور می‌کردند و پولی را که می‌خواستم به حساب عابربانکم واریز می‌کردند. سرهنگ محمد اشراقی، رییس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: با توجه به سوابق متهم در ارتکاب جرایم کلاهبرداری و احتمال ارتکاب جرایم مختلف، مجوز انتشار بدون پوشش تصویر متهم از سوی مقام قضایی صادر شده است و از مالباختگانی که موفق به شناسایی تصویر متهم شده‌اند، دعوت می‌شود برای پیگیری شکایات خود به پایگاه ششم پلیس آگاهی واقع در میدان نبرد، انتهای خیابان شهید بیدی مراجعه کنند. همچنین از کلیه شهروندانی که از دیگر اقدامات مجرمانه متهم اطلاعاتی در اختیار دارند درخواست می‌شود اطلاعات خود را در اختیار کارآگاهان قرار دهند.

پنج قاره

۳کشته در جریان اتوبوس‌ربایی

● **ایسنا:** مردی که در نروژ اتوبوسی را ربوده بود سه‌نفر را کشت. این مرد که حدود ۵۰سال سن دارد اتوبوسی را در غرب این کشور با استفاده از چاقو ربود و سه‌نفر را از جمله راننده اتوبوس به قتل رساند. مقامات نروژ ابتدا گزارشی از مجروح‌شدن چندنفر در حادثه‌ای رانندگی دریافت کردند و در صحنه حادثه حاضر شدند. «آد آرن سولواگ»، سخنگوی پلیس محلی نروژ گفت: متهم پس از این اقدام وحشیانه دستگیر شد اما انگیزه او از انجام این جنایت مشخص نیست. دوسال پیش مردی در این کشور ۷۷نفر را به قتل رساند و مردم را در شوک فرو برد.

چرخ مرگ، جان بندباز را گرفت

● **آسوشیتدپرس:** طناب ایمنی بندباز حرفه‌ای هنگام انجام حرکات نمایشی روی وسیله بازی پاره شد و جان او را گرفت. سارا جوییلت ۳۱ساله بندباز حرفه‌ای سیرک در لاس وگاس بر اثر سقوط از بالای وسیله‌ای موسوم به چرخ مرگ بر اثر شکستگی جمجمه جان باخت. مسوولان این سیرک سه‌روز پیش نامه‌ای مبنی بر استانداردنبودن تجهیزات سیرک دریافت کرده بودند.

۱۳ کشته و ۶۱ زخمی بر اثر سقوط اتوبوس به دره

● **شینهوا:** دست‌کم ۱۳نفر بر اثر سقوط اتوبوس به دره‌ای به عمق ۸۰ متر در جنوب غربی کلمبیا کشته و ۶۱نفر زخمی شدند. قربانیان این سانحه همگی بومی منطقه بودند و برای شرکت در جشنی محلی با اتوبوس سفر می‌کردند. گزارش‌ها از وخامت حال ۱۵نفر از زخمیان حکایت دارد. تحقیق برای مشخص‌شدن علت حادثه ادامه دارد. شرایط جوی هنگام سقوط اتوبوس به داخل دره مساعد بود.

۷ کشته در آتش‌سوزی ساختمانی‌مسکونی

● **شینهوا:** مقامات استان هنان چین اعلام کردند شامگاه دوشنبه در پی آتش‌سوزی در ساختمانی مسکونی در این استان در مرکز چین هفت‌نفر جان خود را از دست دادند و یک‌نفر دیگر نیز زخمی شد. این آتش‌سوزی ساعت ۲۳:۰۷دقیقه شامگاه دوشنبه به وقت محلی، در خانه‌ای روستایی روی داد. پلیس در حال شناسایی قربانیان و علت بروز این حادثه است.

کشف بیش از یک‌میلیون قرص مخدر

● **پلیس‌خبر:** نیروهای امنیتی عربستان هشت‌نفر را که قصد داشتند بیش از یک‌میلیون قرص مخدر را وارد این کشور کنند، بازداشت کردند. سخنگوی اداره مبارزه با موادمخدر در عربستان اعلام کرد، نیروهای مبارزه با موادمخدر بعد از درگیری با قاچاقچیان توانستند حدود یک‌میلیون و ۱۵۲هزارقرص مخدر را در استان «جده» در ساحل دریای سرخ توقیف کنند. یکی از قاچاقچیان تلاش کرد با استفاده از سلاح سرد به یکی از نیروهای امنیتی حمله کند ولی کنترل و بازداشت شد.

رخداد

نجات مرد کوهنورد توسط ۲۵ امدادگر

● **ایسنا:** رییس جمعیت هلال‌احمر شمیرانات از نجات کوهنورد ۵۲ساله پس از گذشت دو روز از ارتفاعات فشم خبر داد. ناصر چرخ‌ساز با بیان اینکه در ساعت ۲۰ روز جمعه گذشته امدادگران کوهستان جمعیت هلال‌احمر شمیرانات از طریق تماس مردمی با سامانه ۱۱۲ در جریان مفقودشدن مردی کوهنورد در ارتفاعات قلعه مازیار قرار گرفتند، گفت: با توجه به کاهش شدید دمای هوا و همچنین کوهستانی‌بودن منطقه، بلافاصله پنج امدادگر به محل اعلامی اعزام شدند. وی گفت: گروهی ۳۰ نفری که در یکی از شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر آشنا شده بودند، با هدف صعود به ارتفاعات قلعه مازیار به منطقه «امامه فشم» عازم شده بودند که در مسیر برگشت متوجه عدم حضور یکی از اعضا شدند. چرخ‌ساز ادامه داد: با توجه به تاریکی هوا و احتمال یخ‌زدگی کوهنورد، بلافاصله امدادگران دیگر نیز به صحنه حادثه فراخوانده شدند و سرانجام ۲۵نفر از نجاتگران کوهستان جمعیت هلال‌احمر شمیرانات توانستند پس از ساعت‌ها جست‌وجو و شناسایی محل احتمالی این فرد توسط بررسی علایم و سیگنال تلفن‌همراه، وی را در عصر روز یکشنبه بیابند. چرخ‌ساز با بیان اینکه این مرد ۵۲ساله دچار سرمازدگی، ضعف و بیحالی شدید شده بود، گفت: امدادگران نسبت به انتقال این فرد به پایین کوه و اعزام به مراکز درمانی، اقدام کردند.

بریده اخبار

- **مدیر روابط‌عمومی اورژانس تهران از کشف پیکر بی‌جان نوزاد یک‌روزه در میان زباله‌ها خبر داد.**
- **دو سارق داخل خودرو با ۴۲ فقره سرقت توسط پلیس کرج شناسایی و دستگیر شدند.**
- **محموله تریاک که به‌طرز ماهرانه‌ای در باک کامیون جاسازی شده بود، توسط پلیس سمنان کشف شد.**